

اقتصاد غیررسمی، خانه‌داری زنان و عوامل مؤثر بر آن

(مطالعه موردی زنان متأهل شهر اهواز)

علی اصغر اسفندیاری

دکتری اقتصاد، استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات خوزستان

مهدی پدram

دکتری اقتصاد، دانشیار دانشگاه الزهراء(س)

صادق مجدم*

کارشناس ارشد اقتصاد؛ دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات خوزستان

چکیده

هدف این پژوهش محاسبه ارزش افزوده کار خانه‌داری زنان همسر دار (شاغل و خانه‌دار) و بررسی برخی عوامل مؤثر بر آن و همچنین تبیین معنایی اقتصاد غیررسمی در بخش خانوار بود. این پژوهش به روش پیمایشی با استفاده از یک نمونه ۳۸۴ نفری از زنان متأهل شهر اهواز به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای انجام شد. پس از اینکه نمونه‌های مورد مطالعه پرسشنامه نهایی را تکمیل کردند، داده‌های مربوط جمع‌آوری و با نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل شد. براساس محاسبات، کل ارزش افزوده ایجاد شده توسط زنان مورد مطالعه بالغ بر ۲۹۱۸۳۷۲۴۱۴۰ ریال در یک سال بود. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که متغیر «سن زن»، «مدت ازدواج» و «تعداد اعضای خانواده» اثر معناداری در تبیین متغیر ارزش افزوده کار خانه‌داری داشته‌اند. در بین متغیرهای مستقل، متغیر «تعداد اعضای خانوار» بیش‌ترین سهم را در تبیین تغییرات ارزش افزوده کار خانه‌داری داشته است.

واژگان کلیدی

اقتصاد غیررسمی؛ خانه‌داری زنان؛ ارزش افزوده؛ رهیافت نهاد؛ رهیافت ستانده

* نویسنده مسئول

تاریخ تصویب: ۱۳۹۲/۳/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۸/۱۴

مقدمه و طرح مسئله

در طی تاریخ بشر زنان همپای مردان در تولیدات مختلف فعالیت داشته‌اند و همواره بخش مهمی از نیروی کار تولیدی را چه در روستاها و چه در شهرها تشکیل داده‌اند. آن‌ها در تولید اقتصادی و اجتماعی سهم بوده‌اند، ولی متأسفانه در آمارهای اقتصادکلان به آن‌ها آنچنان که شایسته است توجه نشده است. از آنجا که توسعه همه جانبه یک جامعه با به کارگیری نیروهای فعال آن ممکن است و زنان نیز نیمی از نیروهای مذکور را تشکیل می‌دهند، در عین حال تأمین امنیت اقتصادی خانواده به عنوان یکی از بخش‌های مهم اقتصادی و تأثیرگذار بر جامعه مطرح می‌شود (ملکی، ۱۳۷۷: ۲۲).

امروزه زنان در ایران جایگاه و منزلتی دو گانه دارند، از نظر شاخص‌های بهداشتی و آموزشی، زنان ایرانی در شرایطی به مراتب بهتر از اکثر کشورهای منطقه قرار دارند، اما از نظر حضور در بازار کار و سهم درآمدی در میان کشورهای در حال توسعه رتبه پایینی دارند. آشنا کردن خانواده‌ها به تقسیم کار در داخل خانواده و مسئولیت‌پذیری اعضا و از سویی تشکیل مؤسسات و سازمان‌های ارائه دهنده خدمات خانگی باعث می‌شود، زنان مشغله کم‌تری داشته باشند و به کارهای اساسی‌تر اقدام کنند؛ بدین طریق از این نیروی عظیم در جهت رشد و توسعه کشور بهره بیشتری عاید شود (سفیری، ۱۳۷۷: ۹۲-۲۲). در جامعه ما زنان رسالت سنگینی به دوش دارند. از یک سو فعالیت در مشاغل اجتماعی و از دیگر سو، تدبیر و مدیریت خانه و تربیت فرزند به طور همزمان باعث می‌شود تا بانوان در جهاد اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی تلاش مضاعفی داشته باشند. زنان با داشتن دیدی خلاق و بهره‌مندی از مهارت‌های بالا، به عنوان فعال اقتصادی و عامل اصلی تربیت فرزندان نقش مهمی در چرخه اقتصاد، خانواده‌ها و جامعه برعهده دارند. بنابراین، حضور آن‌ها در عرصه اجتماعی نیز مورد نیاز است. (ملکی، ۱۳۷۷).

از مهم‌ترین مصوبات در حوزه زنان ماده ۲۳۰ برنامه پنجم توسعه است که در حقیقت به تدوین برنامه‌های راهبردی و آیین نامه‌های مؤثر و برداشتن قدم‌های مفید و مؤثر در حوزه مسائل مربوط به زنان کمک خواهد کرد، که منجر به تهیه سند جامع توسعه در امور معیشتی و تأمین اجتماعی زنان تأکید شده است. لذا توجه به خانه‌داری زنان به عنوان یک فعالیت اقتصادی- اجتماعی و لزوم فعالیت‌های پشتیبانی کننده و اتخاذ برنامه‌های اقتصادی- اجتماعی



برای زنان خانه‌دار توسط دستگاه‌های اجرایی در این راستا می‌تواند مقتضی و مناسب تلقی شود. (برنامه پنجم توسعه، ۱۳۸۹). در حال حاضر بنا بر شاخص‌ها و مقیاس‌های بین‌المللی زنان خانه‌دار در سرشماری‌های نفوس و مسکن جزو بخش فعال اقتصادی محسوب نمی‌شوند. به یک معنی، بخش اعظم فعالیت‌های که زنان در زمینه نگهداری و تداوم منابع انسانی و خانه‌داری انجام می‌دهند، که محل اجرای آن در منزل است، به صورت نهفته، نامحسوس و پنهان بوده و در حسابداری ملی و آمارگیری‌های متداول به حساب نمی‌آید. بدیهی است که با فقدان احتساب فعالیت اقتصادی و اجتماعی زنان در حساب‌های ملی و آمارگیری‌های متداول، زمینه هرگونه اقدام لازم برای برنامه‌ریزی‌های اقتصادی و اجتماعی زنان در فعالیت‌های اقتصادی و فرهنگی لازم مسدود خواهد بود. از سوی دیگر باید توجه داشت که به سهم فعالیت زنان از انجام‌دادن کارهای خانه در امور اقتصادی خانواده و به طریق اولی در اقتصاد جامعه باید توجه کرد و نسبت به آن شناخت علمی یافته و در خدمت نظام اقتصادی، اجتماعی و نظام برنامه‌ریزی و توسعه کشور قرار گیرد.

نتایج بررسی بودجه خانوار بانک مرکزی ایران نشان‌دهنده این مطلب است که بخش مهمی از نیروی کار بدون مزد را زنان خانه‌دار (اعم از شاغل و غیرشاغل) شامل می‌شوند که این تعداد برابر ۲۵/۲ درصد کل جمعیت ایران است (بررسی بودجه خانوار، بانک مرکزی، ۱۳۸۵). خانواده‌ها مواد خام خوراکی و غیر خوراکی را از بازار خریداری کرده و آن را به مصرف می‌رسانند و به همین دلیل مصرف‌کننده به شمار می‌آیند. در حالی که در برابر فعالیت‌هایی که در خانواده‌ها انجام می‌شود، فعالیت‌هایی نیز در بازار وجود دارد که باید در جریان تولید ملی به حساب آید. به عبارت دیگر، مهمترین عنصر جامعه، یعنی خانوار و زن خانه‌دار در مجموعه مصرف‌کنندگان نه تولیدکنندگان قرار می‌گیرد.

اهمیت و جایگاه زنان در خانواده و اجتماع، زمینه‌سازی علمی و عملی برای محاسبه ارزش کارخانه‌داری زنان و لحاظ کردن ارزش افزوده کار خانگی در محاسبات درآمد ملی و تسهیل زیرساخت‌های حمایتی، تأمین اجتماعی و فرهنگی برای قشر مذکور است. لذا در این پژوهش برای نشان دادن سهم زنان در عرصه تولید، خدمات و کمک آن‌ها به امور اقتصادی خانواده، به بررسی خدمات مختلف زنان در منزل و محاسبه ارزش افزوده به دست آمده توسط زنان متأهل با انجام‌دادن این‌گونه خدمات اقدام شد و سپس با آزمون فرضیه، برخی عوامل

مؤثر بر آن بررسی شد.

باقری (۱۳۹۰)، پژوهشی تحت عنوان «ارزش افزوده کارخانه‌داری زنان و عوامل مؤثر بر آن» با استفاده از ۲۰۰۰ زن نمونه در شهر تهران انجام شد. براساس محاسبات انجام شده، میزان ارزش افزوده برآورد شده برای هر پاسخ‌گو (زن خانه‌دار) برابر با ۱۶۰۰۰۰۰ ریال در هفته است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که متغیر «سن زن»، «تحصیلات زن» و «تعداد اعضای خانواده» اثر معناداری در تبیین متغیر ارزش افزوده کارخانه‌داری داشته و در معادله رگرسیون باقی ماندند. در بین متغیرهای مستقل، «متغیر تعداد اعضای خانواده» بیشترین سهم را در تبیین تغییرات ارزش افزوده کارخانه‌داری داشته است.

ایمان و اردشیری (۱۳۷۸)، پژوهشی تحت عنوان «جایگاه زنان در اقتصاد غیررسمی» با استفاده از ۲۰۰۰ زن نمونه در شهر شیراز و ۴ شهر دیگر (یعنی کوار، خرامه، زرقان، سروستان) انجام دادند. هدف اساسی این پژوهش محاسبه سهم زنان در اقتصاد غیررسمی است که از طریق محاسبه ارزش افزوده ایجاد شده توسط زنان مذکور در منزل در ۸ بعد نگهداری از فرزندان زیر ۶ سال، ایاب و ذهاب فرزندان، تدریس به فرزندان، تهیه غذای روزانه، تمیز کردن منزل و لباس، خیاطی و تعمیر لباس، فعالیت هنری و صنایع دستی و بالاخره تولید فرآورده‌های غذایی و لبنی بررسی شده است. نتایج حاصل از بررسی تأثیر عوامل مؤثر بر ارزش افزوده ایجاد شده توسط زنان خانه‌دار نشان می‌دهد که مجموع کل ارزش ایجاد شده توسط زنان بیشتر تحت تأثیر پایگاه اقتصادی و اجتماعی یعنی میزان سواد زن و شوهر و درآمد و تعداد افراد خانواده است. نوع شغل نیز از جمله عواملی است که به میزان ارزش افزوده ایجاد شده توسط زنان تأثیر می‌گذارد، به طوری که زنان بازنشسته و خانه‌دار ارزش افزوده بیشتری را نسبت به زنان شاغل تولید می‌کنند.

چنگیزی (۱۳۷۰)، پژوهشی تحت عنوان «احتساب سهم زنان در تولید کشور» در تهران انجام داد. هدف از این مطالعه این بود که اگر زنان خانه‌دار نیز شاغل فرض شوند چه تغییری در حجم تولید کشور رخ خواهد داد. در این پژوهش با قبول فرض‌هایی و براساس اطلاعات حساب‌های ملی بانک مرکزی جمهوری ایران مربوط به سال ۱۳۶۶ الی ۱۳۷۰ به تفکیک زن و مرد به قیمت جاری و ثابت نسبت به محاسبه تولید ناخالص داخلی کشور اقدام شده است. براساس نتایج حاصل با احتساب سهم زنان خانه‌دار و لحاظ کردن آن در محاسبات، ساختار



تولید کاملاً دگرگون می‌شود و سهم زنان به ۴۶/۷ تا ۴۸/۲ درصد کل تولید (طبق الگوی رایج محاسبات) می‌رسد. با احتساب فعالیت خانه‌داری به‌عنوان یک فعالیت تولیدی، تولید ناخالص داخلی کشور به قیمت جاری و ثابت حدود ۷۰ درصد افزایش می‌یابد، همچنین محاسبات انجام شده نشان می‌دهد که در همه سال‌های مورد نظر سهم تولید مردان نسبت به زنان بیشتر است که عمده‌ترین دلایل آن می‌تواند نابرابری دریافتی مردان و زنان در فعالیت‌های مشابه از یک طرف و تعداد بیشتر مطلق مردان نسبت به زنان از طرف دیگر باشد.

سیلور و گولداشنایدر^۱ (۱۹۹۴)، پژوهشی تحت عنوان «کار انعطاف‌پذیر، کار خانگی، قید و بندها، محدودیت‌های خانواده بر کار خانگی» در ایالات متحده انجام دادند. محققان بررسی می‌کنند، که آیا شغل‌های با انعطاف‌پذیری بیشتر به زنان اجازه می‌دهند بیشتر وقت خود را برای انجام کار خانگی صرف کنند. اطلاعات حاصله نشان‌دهنده اثر ویژگی‌های خانواده (درآمد خانواده، بعد خانواده، نگرش‌ها نقش جنسی) و ویژگی‌های فردی زنان (سن، تحصیلات، وضعیت تأهل و شغلی) روی میزان کار خانگی زنان خانه‌دار است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که خانواده‌های بزرگ‌تر، کار خانگی بیشتری را می‌طلبند و افراد بیشتری هم از خانواده در آن کار خانگی سهمیه هستند. نتایج حاکی از اثر متغیرهای فردی نشان می‌دهد که زنان با تحصیلات بالا نسبت به زنان دارای تحصیلات کم‌تر یا بی‌سواد کار خانگی کم‌تری را انجام می‌دهند. تأثیر سن نیز نشان می‌دهد که زنان مسن (به دلیل داشتن فرزندان کم‌دهنده و بالابودن سن) کار خانگی کم‌تری را در مقایسه با زنان جوان انجام می‌دهند. همچنین زنان ازدواج کرده و دارای فرزندان کوچک نسبت به زنان ازدواج نکرده یا تازه ازدواج کرده کار خانگی بیشتری را انجام می‌دهند.

از نظر خلعتبری (۱۳۶۹) منظور از اقتصاد غیررسمی مجموعه‌ای از فعالیت‌های مولد ارزش افزوده است که در قالب اقتصاد رسمی تعریف و گنجانده نمی‌شود.

به اعتقاد اسفندیاری و مهربانی (۱۳۸۵) کلیه فعالیت‌هایی که به‌طور قانونی یا غیرقانونی در اقتصاد انجام شده و مولد ارزش افزوده هستند، ولی به علت ماهیت پنهانی که دارند مالیات‌گریز هستند و در حساب‌های ملی وارد نمی‌شوند.

توماس^۱ (۱۳۷۶) معتقد است در مفهوم وسیع، منظور از اقتصاد غیررسمی، فعالیت‌هایی است که به عللی در حساب‌های ملی نمی‌آید. از نظر اشنایدر و انست^۲ (۱۹۹۸) همه فعالیت‌های به‌طور رسمی اندازه‌گیری شده در تولید ناخالص ملی وارد نمی‌شوند.

نظریه تولید خانوار:

در چارچوب نظریه اقتصادی خصوصاً اقتصاد متعارف، تلاش‌های زیادی برای کمی کردن حجم کارخانگی و ارزش کمک آن به امور اقتصادی خانواده انجام شده است. دامنه‌ای از روش‌ها برای برآورد کمی ارزش تولیدات خانگی به کار گرفته شده است. اینها شامل اسنادهای براساس مزد به درون‌داده‌های خانگی و اسنادهای قیمتی برای برون‌داده‌های آن است. به عبارت دیگر، فعالیت‌های داخلی در خانه براساس مزد و معادل این فعالیت‌ها در خارج از خانه براساس قیمت این فعالیت‌ها در بازار محاسبه می‌شود.

این نظریه بیان می‌کند اگر چه مشکلاتی برای اندازه‌گیری وجود دارد، لیکن میزان کمک اقتصادی ایجاد شده توسط کار خانگی زنان انکارناپذیر است. تحلیل‌های اقتصادی به حوزه خانواده وارد شده و از دیدگاه‌های مختلف و با موضوعات متفاوت به بررسی تولید خانگی اقدام می‌کند.

تا مدتی پیش اقتصاددانان درباره خانوار بحثی به میان نمی‌آوردند. البته، کتبی درباره زمینه‌های دیگر کار در خانه وجود داشت، ولی در زمینه مسائل اقتصادی بسیار نادر بود. حدوداً از بیست سال پیش، وضع تغییر یافت و در تجزیه و تحلیل‌های اقتصادی به خانوار توجه خاصی معطوف شد. این تحول تا حدود زیادی مدیون بیکر^۳ است که در سال ۱۹۸۱ در کتاب خود به جای آنکه خانوار را از تجزیه و تحلیل‌های اقتصادی کنار گذارد آن را محور تجزیه و تحلیل خود قرار داد و رفتار اعضای آن را با مدل‌هایی در زمینه «بهینه‌سازی با توجه به محدودیت‌ها» تشریح کرد (بیکر، ۱۹۸۱).

-
1. Tomas
 2. Shneider & Enste
 3. Becker



طبق این نظریه بیکر استدلال می‌کند که نه تنها محصول نهایی تولیدی زنان در خانه (با توجه به زمان صرف شده برای آن) بیش از دستمزد بازاری آن‌هاست، بلکه دستمزد زنان در بیشتر دوران تولید خود، بیش از دستمزد بازاری مردان است (توماس، جی جی^۱ و همکاران، ۱۳۷۶: ۲۸). بیکر از جمله این اقتصادانانی است که نظریات اقتصادی به‌کارگیری زمان روی کار خانگی را مد نظر قرار داده و زمان را به‌عنوان یک منبع کمیاب تلقی می‌کند که میان اعضاء خانوار به نسبت کار تولیدی آن‌ها توزیع می‌شود، در مقابل نظریات فمینیستی کاربرد زمان، زمان صرف شده در کار خانگی را به‌عنوان کارکرد روابط قدرت میان زن و مرد در خانه و در محل کار می‌دانند. برخی از اقتصاددانان متوجه شده‌اند که طبق سیستم حسابداری ملی توصیه شده از سوی سازمان ملل متحد، باید ارزش افزوده تولید کالا یا خدمات توسط تولیدکنندگان که توسط خود ایشان مصرف می‌شود (و به بازار زیاد عرضه نمی‌شود) برآورد شود. یکی از اقلامی که باید برآورد شود عبارت است از تولید کالا و خدمات توسط زنان خانه‌دار که یا برای مصرف شخصی یا برای عرضه به بازار است.

معیارهای تشخیص فعالیت‌های خانگی را مارگارت رید^۲ (۱۹۳۴) ارائه کرده است. این معیارها عبارت هستند از فعالیت‌های بدون دستمزد که توسط خانوار و برای اعضای خانوار انجام می‌شود که مشابه آن را می‌توان در بازار خریداری کرد. در صورتی که شرایطی نظیر درآمد، وجود بازار، تمایل افراد، اجازه فروش آن را بدهد (وظایفی مثل خرید کردن، تمیزکردن، تهیه غذا، بردن بچه به مدرسه، مراقبت از کودکان خردسال) را شامل می‌شود (توماس، جی جی و همکاران، ۱۳۷۶: ۳۱). مرکز دانشگاه میشیگان براساس نظر مارگارت رید فعالیت‌های خانوار (خصوصاً زن خانه‌دار) را به ۹ گروه تقسیم کرده است: آماده‌سازی غذا، نظافت منزل، شستشوی ظروف غذایی، شستن لباس‌های اعضاء خانواده، صنایع دستی خانگی و فعالیت‌های هنری، بچه‌داری و مراقبت از فرزندان، خرید وسایل ضروری منزل، آموزش و کمک در امر تحصیل فرزندان، مراقبت‌های درمانی. تحلیل مقایسه‌ای بین کشورها، این اصل را روشن می‌کند که معیارهای مربوط به بازار نیز برای محاسبه کار خانگی زنان قابل اجرا و مناسب هستند. هر چند معیار ارائه شده توسط رید معیار مناسبی است. لیکن پاسخ این سؤال باقی می‌ماند که

1. thomas

2. Reid

کدام یک از تولیدات و فعالیت‌های خانگی را می‌توان از بازار خریداری کرد؟

جدول ۱: استفاده از مبانی نظری و پیشینه تجربی برای طرح فرضیات

متغیر	نظریه پرداز - محقق	نظریه - نتایج پژوهش
سن زن	بیکر	نه تنها محصول نهایی تولیدی زنان در خانه (با توجه به زمان صرف شده برای آن) بیش از دستمزد بازاری آنهاست، بلکه دستمزد زنان در بیشتر دوران تولید خود، بیش از دستمزد بازاری مردان است.
	سیلور و گولداشنایدر	زنان مسن (به دلیل داشتن فرزندان کمک‌دهنده و بالای بودن سن) کار خانگی کم‌تری را در مقایسه با زنان جوان انجام می‌دهند.
بعد خانوار	بیکر	بیکر نظریات اقتصادی به کارگیری زمان زوی کار خانگی را مد نظر قرار داده و زمان را به عنوان یک منبع کمیاب تلقی می‌کند که میان اعضاء خانوار به نسبت کار تولیدی شان توزیع می‌شود.
	سیلور و گولداشنایدر	خانواده‌های بزرگ‌تر، کار خانگی بیشتری را می‌طلبند. و افراد بیشتری هم از خانواده در آن کار خانگی سهیم هستند.
	ایمان و اردشیری	مجموع کل ارزش افزوده ایجاد شده توسط زنان بیشتر تحت تأثیر پایگاه اقتصادی و اجتماعی یعنی میزان سواد زن و شوهر و درآمد و تعداد افراد خانواده است.
مدت ازدواج	بیکر	نه تنها محصول نهایی تولیدی زنان در خانه (با توجه به زمان صرف شده برای آن) بیش از دستمزد بازاری آنهاست، بلکه در بیشتر دوران تولید خود، بیش از دستمزد بازاری مردان است.
	سیلور و گولداشنایدر	زنان ازدواج کرده و دارای فرزندان کوچک نسبت به زنان ازدواج نکرده یا تازه ازدواج کرده کار خانگی بیشتری را انجام می‌دهند.

در این پژوهش سه فرضیه بررسی شد:

- بین «سن زن» و ارزش افزوده فعالیت خانه‌داری زنان رابطه معنادار معکوس وجود دارد.
- بین «بعد خانوار» و ارزش افزوده فعالیت خانه‌داری زنان رابطه معنادار مستقیم وجود دارد.
- بین «مدت ازدواج» و ارزش افزوده فعالیت خانه‌داری زنان رابطه معنادار معکوس وجود دارد.



روش پژوهش

روش این پژوهش پیمایشی^۱ بود. ابزار مورد استفاده در این پیمایش پرسشنامه بوده و پس از اینکه ۳۸۴ زن متأهل اهوازی پرسشنامه نهایی را تکمیل کردند، به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار spss استفاده شد. برای آماره‌های توصیفی با توجه به سطوح سنجش متغیرهای مستقل و وابسته، از تکنیک‌های آماری ضریب همبستگی «پیرسون» و «رگرسیون چند متغیره» استفاده شد. با توجه به اینکه اطلاعات مورد نیاز توسط مراکز ارائه دهنده اطلاعات و آمار خانوار جمع آوری نمی‌شود، باید از روش میدانی برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده کرد. بدین منظور، «پرسشنامه کار خانه‌داری» طراحی و به کمک آن اطلاعات لازم جمع‌آوری شد.

جامعه آماری این پژوهش، زنان متأهل (زن همسر دار) ساکن شهر اهواز بودند. این زنان کسانی هستند که براساس آخرین سرشماری معاونت بهداشتی دانشگاه جندی‌شاپور اهواز در سال ۱۳۹۰ در تمام مناطق تحت پوشش این شهر زندگی می‌کردند.

نمونه آماری این پژوهش ۳۸۴ نفر از زنان متأهل (زن همسر دار) بودند، این تعداد از زنان براساس نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شده‌اند که در زمان نمونه‌گیری از ابتدای مهرماه سال ۱۳۹۰ لغایت پایان ماه با همسرانشان زندگی می‌کردند. از آنجا که جامعه آماری پژوهش حدود ۲۴۲۹۹۸ نفر بود، برای انتخاب نمونه آماری از فرمول کوکران و در سطح اطمینان ۹۵ درصد استفاده شد و این تعداد به تناسب در مناطق مختلف این شهر توزیع شده‌اند.

روش محاسبه ارزش افزوده کار خانگی زنان و نظریات مربوطه

در این پژوهش از دو رهیافت «ستانده» و «نهاده» به دلیل سازگاری با نظام حساب‌های ملی به عنوان رهیافت‌های اصلی برآورد ارزش تولید خانگی استفاده شد. سازمان ملل متحد و دیگر سازمان‌های درگیر در موضوع بررسی وضعیت اقتصادی، رهیافت ستانده و نهاده را به رسمیت می‌شناسند. با این حال هر دو رهیافت‌ها کاستی‌هایی نیز دارد که براساس شرایط هر کشور می‌توان از این رهیافت استفاده کرد. روش نهایی برای محاسبه ارزش افزوده کارخانه‌داری در این رهیافت عبارت از محاسبه «زمان» لازم برای انجام دادن هر یک از فعالیت‌های مذکور و محاسبه قیمت هر ساعت کار هر یک از فعالیت‌ها و محاسبه هزینه اولیه و ارزش بازاری در

بعضی از گروه‌ها است، لذا می‌توان ارزش افزوده هر یک از خدمات زنان خانه‌دار را محاسبه کرد و با جمع کل ارزش افزوده‌ها، ارزش کل را به دست آورد (جزینی، ۱۳۸۳: ۲۱۷).

نظریهٔ رهیافت نهاد^۱

آنچه امروزه به‌عنوان «رهیافت نهاد» برای ارزش‌گذاری کار و تولید خانه‌داری استفاده می‌شود، نخستین بار در نظام حساب‌های ملی ۱۹۹۳ معرفی شده است. این رهیافت برای ارزش‌گذاری کالاها و خدماتی است که قیمت آن‌ها از لحاظ اقتصادی معنادار نیستند. از جمله این موارد می‌توان به مدیریت نهادهای عمومی، دفاع، آموزش و بهداشت و غیره اشاره کرد. با توجه به استفادهٔ نظام حساب‌های ملی از این رهیافت، سازمان ملل و کارشناسان اقتصادی، پژوهش‌های خود را برای استفاده از رهیافت نهاد برای ارزش‌گذاری تولید خانه‌داری آغاز و آن را به صورت کتاب دو جلدی با نام «حسابداری خانوار» منتشر کردند. بدین ترتیب رهیافت نهاد، رهیافت اصلی ارزش‌گذاری تولید کار خانه‌داری عنوان شد و استقبال خوبی نیز از آن به عمل آمد. براساس آنچه امروز در ادبیات تولید خانگی مصطلح است، رهیافت نهاد بر این نکته تأکید دارد که زنان خانه‌دار و دیگر اعضای خانوار در فرآیند تولید خانه‌داری، زمانی را صرف فعالیت‌های تولیدی می‌کنند، اما در قبال آن دستمزد دریافت نمی‌کنند. این در حالی است که آن‌ها می‌توانستند این زمان را به هر ترتیب ممکن در بازار کار سپری و دستمزد دریافت کنند. بنابراین می‌توان با انتساب دستمزد به کار بدون دستمزد زنان خانه‌دار و دیگر اعضای آن به ارزش کار آن‌ها پی برد و دیگر موارد به کار رفته در تولید خانگی را نیز محاسبه کرد تا در نهایت به ارزش تولیدات خانه‌داری دست یافت (قربانی، ۱۳۸۷).

در حقیقت معیار «شخص ثالث» «بررسی‌های گذران وقت» «دستمزدها» و برآورد «ارزش دیگر نهادها» چهار مؤلفهٔ اصلی رهیافت نهاد هستند که شناخت رهیافت نهاد بدون بررسی و توجه به آن‌ها غیرممکن است. بنابراین، برای درک این رهیافت، در ادامه مؤلفه‌های اصلی آن بررسی می‌شود:

این شاخص را مارگارت رید در سال ۱۹۳۴، معرفی کرد و براساس آن هر فعالیتی که بتوان آن را به دیگری واگذار کرد، تولید به حساب می‌آید.

1. Input approach



در واقع، نظام حساب‌های ملی بر پایه «معیار شخص ثالث»، فعالیت‌های تولید خانه‌داری را به شش دسته اصلی تقسیم‌بندی کرده است که عبارت هستند از: «تأمین غذا»، «تأمین و مراقبت از لباس»، «مراقبت از کودکان و سالمندان»، «تأمین مسکن و خدمات مربوط به آن»، «کارهای داوطلبانه»، «حمل و نقل». این تقسیم‌بندی موجب تسهیل در استفاده از آمارهای خام داده‌های گذران وقت و دسته‌بندی نظام‌مند آن‌ها برای ارزیابی ارزش کار و تولید خانه‌داری شده است. دومین مؤلفه رهیافت نهاده «بررسی داده‌های گذران وقت» است که براساس داده‌های به‌دست آمده از گذران وقت روی فعالیت‌های خانه‌داری بر طبق معیارهای تعریف شده شخص ثالث محاسبه می‌شود.

در حقیقت «بررسی گذران وقت» اهدافی را دنبال می‌کند که از بین آن‌ها یافتن کار بدون دستمزد، به ویژه اهمیت زیادی دارد. به دست آوردن اطلاعات درباره فعالیت‌های بخش «غیررسمی» که از دید نظام حساب‌های ملی پنهان می‌ماند، در زمره اهداف مهم این بررسی به شمار می‌رود.

سومین مؤلفه رهیافت نهاده «دستمزدها» است؛ به‌دست آوردن قیمتی برای فعالیت‌های خانگی، کار بسیار دشواری است و برای به‌دست آوردن این قیمت‌ها باید پژوهش‌های با توجه به شرایط اقتصادی-اجتماعی هر کشور انجام شود. معمولاً از روش‌های مختلفی مانند میانگین دستمزد کارگر مشابه، میانگین دستمزد خدمات مشابه در بازار، یا متوسط دستمزد در بازار استفاده می‌شود. چهارمین مؤلفه «ارزش دیگر نهاده‌ها» است؛ ارزش‌گذاری نهاده‌ها در فعالیت‌های خانگی با استفاده از زمان که به‌عنوان نهاده اصلی استفاده قرار می‌شود، اندازه‌گیری شده و براساس «روش‌های هزینه فرصت» یا «هزینه جانشینی» ارزش‌گذاری می‌شود.

نظریه رهیافت ستانده^۱

برخی از اقتصاددانان، برای نشان دادن این حقیقت که نقش اقتصادی تولید خانگی، برابر با ارزش ستانده خانوار است و نه ارزش زمان سپری شده در آن (راهبرد رهیافت نهاده)، برای ارزش‌گذاری ستانده خانگی با ضرب فیزیکی ستانده خانگی در قیمت معادل بازاری تأکید می‌کنند که این ستانده‌ها رکن اصلی رهیافت ستانده هستند.

1. Output approach

با وجود مزیت‌های نظری رهیافت ستانده، نسبت به رهیافت نهاده، نبود اطلاعات دقیق درباره ستانده خانگی موجب محدودیت استفاده از این رهیافت شده است؛ چرا که اطلاعات مربوط به مقادیر فیزیکی این ستانده‌ها و نیز نوع ستانده‌ای که در خانه تولید می‌شود به آسانی در اختیار قرار نمی‌گیرند و گردآوری این آمار بسیار زمان‌بر و پرهزینه است.

برای برآورد ارزش تولید خانگی از راه رهیافت ستانده و محاسبه اقلامی که در فرمول رهیافت ستانده وجود دارند، باید مؤلفه‌های رهیافت ستانده را شناسایی کرد. بر این اساس، نخستین گام برای رسیدن به ارزش‌گذاری تولید خانگی از طریق رهیافت ستانده، شناسایی ستانده و نهاده در تولید خانگی است. گام دوم، قیمت‌گذاری هر یک از اجزاء و یافتن مناسب‌ترین قیمت در بازار، گام سوم به ترکیب ارزش‌انتسابی ستانده‌ها و نهاده‌ها براساس فرمول برای رسیدن به ارزش تولید خانگی و تبدیل آن به اعداد سازگار با نظام حساب‌های ملی است.

در گام اول، برای شناسایی ستانده تولید خانگی از «معیار شخص ثالث» استفاده می‌شود. در واقع این معیار هم در شناسایی ستانده‌ها و هم در شناسایی نهاده‌های این رهیافت کارایی و کاربرد دارد. در بخش ستانده‌ها بر مبنای «معیار شخص ثالث» ستانده‌های خانگی به شش دسته مسکن؛ غذا؛ لباس؛ مراقبت؛ حمل و نقل و کار داوطلبانه تقسیم می‌شوند. از سوی دیگر در بخش نهاده‌ها نیز، براساس «معیار شخص ثالث»، کارهای تولیدی (مانند رهیافت نهاده)، از یکدیگر تفکیک می‌شوند.

گام دوم، قیمت‌گذاری ستانده خانگی است. این مهم براساس قیمت‌های معادل شش ستانده خانگی در بازار انجام می‌شود. یکی از روش‌های یافتن قیمت مناسب برای تولیدات خانگی این است که از فرآیند موجود در حساب‌های ملی در قیمت‌گذاری کالاهای عمومی استفاده شود که قیمت بازاری ندارند. برای ارزش‌گذاری این کالاها و خدمات از هزینه نهاده‌های به کار رفته استفاده می‌شود، اما مسئله این است که برخلاف بخش عمومی در بخش خانوار، دستمزد بازاری وجود ندارد. در این باره گلداشمیت^۱ (۱۹۹۶) اظهار داشت که از قیمت‌ها برای ارزش‌گذاری هر کالا استفاده شود. مشکل این روش آن است که یافتن نزدیک‌ترین قیمت بازاری به تولیدات خانگی کار چندان آسانی نیست. برای مثال قیمت غذای



یک رستوران بین راهی با قیمت غذا در یک هتل پنج ستاره متفاوت است. از سوی دیگر میان عناصر استفاده شده برای تولید وعده غذای صبحانه میان خانوارها و جوامع مختلف نیز تفاوت‌های زیادی وجود دارند. در این میان تأکید همه پژوهش‌هایی که از رهیافت ستانده استفاده کرده‌اند به دست آوردن قیمتی است که نشان دهنده نزدیک‌ترین ارزش به تولید خانگی باشد. برای به دست آوردن این قیمت‌ها باید پژوهش‌های جدی و جامع انجام شود که به شرایط اقتصادی-اجتماعی هر کشور بستگی دارد. به همین دلیل در نظریه‌های موجود راهکار واحدی برای آن مشخص نشده است.

گام سوم، شناسایی و ارزش‌گذاری نهاده‌ها و نیز ترکیب آن‌ها با ستانده‌هاست. در حقیقت براساس رهیافت ستانده، برای محاسبه ارزش تولید خانگی باید اطلاعاتی نیز درباره نهاده‌های تولید خانگی، یعنی کالای واسطه‌ای، کالای خانگی یا همان سرمایه خانگی، خدمات مرتبط و کار به دست آید. البته، باید به این نکته توجه کرد که هر یک از نهاده‌ها در فعالیت‌های خانگی دارای تفاوت‌های عمده‌ای هستند و باید به جای خود بررسی شوند، اما نباید از این نکته غافل شد که ماهیت آن‌ها در تولید خانگی ثابت است. در ادامه این نهاده‌ها بررسی می‌شود. بر مبنای نظام حساب‌های ملی، در رهیافت ستانده، چهار نهاده اصلی وجود دارد که عبارت هستند از کالاهای واسطه‌ای؛ کالای سرمایه‌ای؛ خدمات مرتبط با تولید خانگی و کار.

کالای واسطه‌ای به کالا و خدماتی مانند مواد خام و مسکن اجاره‌ای یا شخصی گفته شده که در فرایند تولید مصرف می‌شود یا تغییر شکل می‌یابد. کالای سرمایه‌ای یا سرمایه خانگی^۱ به کالاهای با دوامی مانند ماشین لباس‌شویی و ظرفشویی و مسکن گفته می‌شود که در فرایند تولید خانگی استفاده می‌شود. درباره چگونگی مصرف سرمایه خانگی و سهم آن در تولید خانگی مباحث مختلفی مطرح شده است. به عنوان مثال آسلاکسن^۲ (۱۹۹۴) معتقد است ارزش همه کالاهای سرمایه‌ای خانگی در هنگام خرید اندازه‌گیری شده و تا زمانی که مستهلک می‌شوند درآمد حاصل از استفاده آن‌ها قابل تشخیص خواهد بود. ایرنمونگر^۳ نیز برای اندازه‌گیری سرمایه خانگی از جدول داده - ستانده استفاده کرده است تا به وسیله آن چگونگی

-
1. Household capital
 2. Aslaksen
 3. Airnmongr

اختصاص سرمایه خانگی، کار و هزینه کالاهای واسطه‌ای به فعالیت‌های خانگی را نشان دهد. بدین وسیله او برای محاسبه کار خانگی، بنیادی بر مبنای کار انجام شده فراهم کرده است. کار: فرایند ارزش‌گذاری نهاده کار در رهیافت ستانده همانند رهیافت نهاده است. به عبارت دیگر نهاده کار در تولید خانگی با استفاده از مدت زمانی که به عنوان نهاده استفاده می‌شود، اندازه‌گیری شده و براساس «روش‌های هزینه فرصت» یا «هزینه جانشینی» ارزش‌گذاری می‌شود.

خدمات مرتبط با فعالیت‌های خانگی: این خدمات نقش مکمل دیگر نهاده‌ها را دارند و در هر فعالیت با استفاده از این خدمات، فعالیت‌ها انجام می‌شوند، که خرید مواد اولیه مورد نیاز برای تولید ستانده، نمونه این خدمات است و کمابیش در همه ستانده‌ها از آن استفاده می‌شود. همان‌طور که در بالا اشاره شد، در رهیافت ستانده، شش ستانده اصلی از یکدیگر تفکیک می‌شوند و براساس هر ستانده، نهاده‌های آن نیز شناسایی و ارزیابی می‌شوند. به عبارت دیگر ستانده و نهاده هر فعالیت با ستانده و نهاده فعالیت دیگر یکسان نیست و باید هر کدام را با توجه به نوع فعالیت بررسی کرد.

لذا در این پژوهش به منظور محاسبه ارزش افزوده کارخانه‌داری زنان به تنظیم پرسشنامه‌ای اقدام شد که با کمک آن تعداد ساعات صرف شده برای انجام دادن بعضی از فعالیت‌های خانه‌داری و هزینه هر ساعت کار و همچنین هزینه اولیه و ارزش بازاری در بعضی از گروه‌های کاری پرسیده شد که در جدول مشخص شده است. برای محاسبه ارزش افزوده ایجاد شده بابت تهیه غذا در منزل توسط زنان، براساس آمارگیری انجام شده توسط مرکز آمار ایران از کارگاه‌های صرف غذا و نوشیدنی در حدود ۵۰ درصد از قیمت غذای فروخته شده در این کارگاه‌ها ارزش افزوده و ۵۰ درصد بقیه نیز هزینه مواد اولیه مصرفی است. بدین صورت، از پاسخ‌گویان در خصوص غذای صرف شده طی دو روز اخیر که توسط آن‌ها تهیه شده و هزینه مواد اولیه مصرف شده برای تهیه آن پرسیده شد، و عدد ۸۵۴۰۵۶۵۰ ریال به دست آمد و سپس با ضرب این عدد در ۱۸۲/۵ به برآورد ارزش افزوده ایجاد شده بابت تهیه غذا توسط زنان برای یک سال اقدام شد. از طرفی براساس اظهارات پاسخ‌گویان و محاسبه انجام شده، میانگین ارزش هر ساعت کار روزانه کارگر خانگی در شهر اهواز برای انجام دادن فعالیت‌های «تمیز کردن منزل، شستشو و اتوی لباس و خرید مایحتاج منزل» بالغ بر ۱۸۵۱ ریال بوده که با



ضرب این عدد در تعداد ساعت کار زنان مورد مطالعه در مدت یک هفته که معادل ۴۶۸۵ بوده و تعمیم آن به ۵۲ هفته به برآورد ارزش افزوده این فعالیت‌ها برای یک سال اقدام شد. همچنین با توجه به نتایج به دست آمده، میانگین حق‌التدریس ساعتی معلمان خصوصی در مقطع ابتدائی مبلغ ۱۲۱۹۹۵ ریال، در مقطع راهنمایی ۱۳۰۵۵۲ ریال و در مقطع دبیرستان ۱۳۷۵۸۴ ریال برآورد شد، سپس با ضرب این اعداد در تعداد ساعتی که نمونه مورد مطالعه به فرزندان خود در مقاطع مختلف تدریس می‌کردند، طبق جدول ۲ و تعمیم آن به ۳۹ هفته «یک سال تحصیلی» به برآورد ارزش افزوده این فعالیت برای یک سال اقدام شد.

براساس اظهارات پاسخ‌گویان، میانگین هزینه پرداختی به مهد کودک در شهر اهواز برای یک ماه ۵۶۵۷۷۰ ریال بوده که با در نظر گرفتن تعداد ۸۵ فرزند زیر ۶ سال نمونه مورد مطالعه که خود از آن‌ها در منزل مراقبت می‌کردند، به محاسبه ارزش افزوده این فعالیت برای مدت یک ماه اقدام شد، سپس با تعمیم آن به ۱۲ ماه، ارزش افزوده این فعالیت برای یک سال به دست آورده شد. در ادامه برای برآورد ارزش افزوده ایجاد شده توسط زنان مورد مطالعه در فعالیت‌های «تهیه فرآورده‌های غذایی، تهیه پوشاک، امور هنری و صنایع دستی» باید دو عامل «هزینه واسطه» (هزینه مواد اولیه مصرفی کالاهای مزبور) و «ارزش تولیدات» (ارزش بازاری کالاهای مزبور) را برای مدت یک سال پرسیده و از تفاضل آن‌ها ارزش افزوده ناشی از این فعالیت‌ها محاسبه شد. سپس ارزش افزوده کار خانه‌داری بر حسب ریال برآورد شد و با جمع کل ارزش افزوده‌ها، ارزش افزوده کل به دست آمد.

جدول ۲: برآورد ارزش افزوده ایجاد شده کارخانه‌داری زنان مورد مطالعه (در یک سال)

مبلغ برحسب (ریال)	درصد	تعمیم به سال	ارزش تولیدات	هزینه واسطه (اولیه)	تعداد ساعت افراد	ارزش هر ساعت کار	شرح	ردیف
۱۵۵۸۶۵۳۱۱۳۰	۵۳/۴	۱۲/۵ روز	---	۸۵۴۰۵۶۵۰ (در دو روز)	---	---	پخت و پز غذا	۱
۲۵۰۹۴۰۶۲۰۰	۱۵/۴۵	۵۲ هفته	۸۶۷۱۹۳۵۰ (در یک هفته)	---	۴۶۸۵ (در یک هفته)	۱۸۵۱۰	تعمیر کردن منزل، بستنوی و آوی لباس، و خرید مایحتاج منزل	۲
۸۴۵۱۱۱۲۴۱۰	۲۸/۹	۳۹ هفته	۱۴۸۸۳۳۹۰۰ (در یک هفته)	---	۱۲۱۹۹۵ (هفته)	۱۳۰۵۵۲ (هفته)	تدریس به فرزندان	۳
۵۷۷۰۸۵۴۰۰	۱/۹۷	۱۲ ماه	۴۸۰۹۰۴۵۰ (در یک ماه)	۵۶۵۷۷۰ (در یک ماه)	۸۵ فرزند	۱۳۷۵۸۴ (هفته)	نگهداری از فرزند زیر ۶ سال	۴
۲۸۶۸۱۰۰۰	۰/۱	---	۸۰۹۰۳۰۰۰	۵۲۲۲۲۰۰۰	---	---	تهیه فرآورده‌های غذایی	۵
۲۹۹۴۸۰۰۰	۰/۱	---	۵۴۸۱۰۰۰۰	۲۴۸۶۲۰۰۰	---	---	تهیه پوشاک	۶
۹۶۰۰۰۰۰	۰/۰۸	---	۱۹۴۰۰۰۰	۹۸۰۰۰۰	---	---	امور هنری و صنایع دستی	۷
۲۹۱۸۳۷۲۴۱۴۰	۱۰۰	---	---	---	---	---	جمع کل ارزش افزوده ایجاد شده توسط زنان	۸

مأخذ: محاسبات پژوهش



یافته‌های پژوهش

ابتدا داده‌های به دست آمده توصیف آماری و سپس تحلیل‌های دو متغیره مطرح می‌شود و در نهایت تحلیل چند متغیر پژوهش ارائه خواهد شد. در جدول ۳، ویژگی‌های جمعیت‌شناختی افراد مورد مطالعه نیز ارائه می‌شود.

جدول ۳: توزیع سنی؛ مدت ازدواج؛ بعد خانوار؛ پاسخ‌گویان

توزیع مدت ازدواج پاسخ‌گویان (زنان)			توزیع سنی پاسخ‌گویان (زنان)			توزیع بعد خانوار پاسخ‌گویان (زنان)		
مدت ازدواج	فراوانی	درصد	توزیع سنی	فراوانی	درصد	بعد خانوار	فراوانی	درصد
۱۰-	۱۷۳	۴۵	۲۰-۲۴	۸	۲/۱	۲ نفر	۳۵	۹/۱
۱۱-۱۹	۱۲۸	۳۳/۳	۲۵-۲۹	۶۱	۱۵/۸	۳ نفر	۱۲۳	۳۲
۲۰-۲۴	۲۱	۵/۵	۳۰-۳۴	۹۴	۲۴/۵	۴ نفر	۱۴۷	۳۸/۳
۲۵-۲۹	۳۶	۹/۴	۳۵-۳۹	۹۱	۲۳/۷	۵ نفر	۴۹	۱۲/۸
۳۰-۳۴	۱۰	۲/۶	۴۰-۴۴	۵۴	۱۴	۶ نفر	۱۹	۴/۹
۳۵-۳۹	۵	۱/۳	۴۵-۴۹	۴۱	۱۰/۸	۷ نفر	۹	۲/۳
۴۰+	۱۱	۲/۹	۵۰-۵۴	۱۷	۴/۵	۸ نفر	-	-
-	-	-	۵۵-۵۹	۱۴	۳/۶	۹ نفر	۲	۰/۵
-	-	-	۶۰-۶۵	۴	۱/۱	بی جواب	-	-
جمع	۳۸۴	۱۰۰	جمع	۳۸۴	۱۰۰	جمع	۳۸۴	۱۰۰

بررسی وضعیت سنی زنان مورد مطالعه نشان می‌دهد که سن نمونه مورد مطالعه از حداقل ۲۰ تا حداکثر ۶۵ سال در نوسان است، توزیع سنی آن‌ها تا حدود زیادی نرمال است، به طوری که میانگین سنی زنان در حدود ۳۷ و میانه ۳۶ و نمای آن ۴۰ سال است، پاسخ‌دهندگان گروه سنی ۳۰-۳۴ سال بیشترین فراوانی را با حدود ۲۴/۵ درصد و پاسخ‌دهندگان گروه سنی ۶۰-۶۵ سال کم‌ترین فراوانی را با حدود ۱/۱ درصد نمونه به خود اختصاص داده‌اند.

تعداد افراد خانواده‌های مورد بررسی نشان می‌دهد که تعداد افراد خانواده‌های نمونه از حداقل دو نفر تا حداکثر ۹ نفر در نوسان بوده‌اند، متوسط بعد خانوارهای مورد بررسی ۴ نفر است. پاسخ‌دهندگان دارای خانوار ۴ نفری بیشترین فراوانی را با حدود ۳۸/۳ درصد و پاسخ‌دهندگان دارای خانوار ۹ نفری کمترین فراوانی را حدود ۰/۵ درصد نمونه به خود

اختصاص داده‌اند.

مدت ازدواج پاسخگویان یکی دیگر از متغیرهایی است که می‌تواند از نظر کمی بر میزان ارزش افزوده ایجاد شده توسط زنان خانه‌دار تأثیر داشته باشد؛ به‌عنوان مثال زمانی که افراد تازه ازدواج کرده‌اند و هنوز صاحب فرزند نشده‌اند، نمی‌توانند از بعد نگهداری از فرزندان یا در سایر ابعاد فعالیت در داخل منزل ارزش افزوده‌ای را ایجاد کنند. نتایج حاصل از بررسی وضعیت پاسخگویان (زنان مورد مطالعه) از نظر مدت ازدواج نشان می‌دهد که جمعاً در حدود ۴۵ درصد از پاسخگویان کم‌تر از ۱۰ سال از ازدواج آن‌ها می‌گذرد، و این در حالی است که تنها ۲/۹ درصد از پاسخگویان بیش از ۴۰ سال است که ازدواج کرده‌اند. توزیع مدت ازدواج تا حدود زیادی نرمال است به‌طوری که میانگین مدت ازدواج در حدود ۱۳/۵۲ و میانۀ ۱۲ سال است.

آزمون فرضیه‌ها براساس آماره رگرسیون چند متغیری

طبق فرضیه‌های پژوهش، با استفاده از رگرسیون چند متغیره به پیش‌بینی و تبیین متغیر وابسته براساس مجموع متغیرهای مستقل اقدام شد. به‌عبارت دقیق‌تر رگرسیون چند متغیری، تأثیر مجموعه‌ای از متغیرهای مستقل را بر متغیر وابسته بررسی می‌کند.

در این مرحله، متغیرهای مستقل با روش ورود^۱ به‌عنوان متغیرهای پیش‌بینی کننده لحاظ شده و تأثیر آن‌ها بر متغیر وابسته بررسی می‌شود. معادله نهایی رگرسیون عبارت است از:

$$= 3098611/6Y + (\text{تعداد اعضاء خانوار}) 979506/2 - 37667/8 (\text{مدت ازدواج}) 22341/1 - (\text{سن زن})$$

با توجه به مباحث فوق، متغیرهای مستقل تعیین شده، در تبیین تغییرات متغیر وابسته اثر معناداری داشته و مبین تغییرات ارزش افزوده کار خانه‌داری بوده‌اند. در این بین، متغیر «تعداد اعضای خانوار» بیشترین سهم را در تبیین تغییرات ارزش افزوده کار خانه‌داری داشته است، زیرا افزایش تعداد اعضای خانوار موجب افزایش تعداد اتاق‌های خانه، افزایش نوع فعالیت‌ها در خانه و افزایش ساعات اختصاص یافته به کارهای خانه می‌شود و در نهایت موجب افزایش



میزان کار در خانه و بالا رفتن ارزش افزوده کارخانه‌داری خواهد شد.

طبق مدل نهایی، ضریب B برای متغیرهای تعداد اعضای خانوار برابر $0/21$ ، سن زن برابر با $-0/06$ ، و مدت ازدواج $0/04-$ است که نشان‌دهنده سهم و وزن هر یک از متغیرها در تبیین متغیر وابسته است. همچنین آماره t برای متغیرهای تعداد اعضای خانوار برابر $4/99$ ، سن زن برابر با $3/57$ ، و مدت ازدواج $3/91$ است. ضریب همبستگی چندگانه R برابر با $0/22$ و بیان‌کننده رابطه مثبت و قوی بین متغیرهای مستقل و وابسته است. ضریب تعیین R^2 برابر $0/048$ است که نشان می‌دهد $0/048$ از واریانس متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل تبیین می‌شود. کمیت F برابر با $6/4$ و در سطح معناداری $p=0/000$ است. به بیان آماری، معناداری F بیان‌کننده آن است که متغیرهای مستقل ترکیب خطی، مستقیم و معناداری با متغیر وابسته دارند.

معادله رگرسیون نهایی نشان می‌دهد که سه متغیر «سن زن»، «مدت ازدواج»، و «بعدخانوار» اثر معناداری در تبیین متغیر ارزش افزوده کارخانه‌داری دارند. نتایج حاصل از این پژوهش نیز مؤید تأثیر متغیرهای مستقل یاد شده بر متغیر ارزش افزوده کارخانه‌داری، مطابق با نتایج حاصله از پژوهش‌های پیشین است و نتایج حاصل از پژوهش‌های ایمان و اردشیری (۱۳۷۸)، سیلور و گولداشنايدر (۱۹۹۴) و باقری (۱۳۸۹) را تأیید می‌کند.

بحث و نتیجه‌گیری

فعالیت خانه‌داری زنان از ابعاد مختلف می‌تواند محل توجه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی اجتماعی و اقتصادی در سطح کلان یک کشور باشد. از منظر اقتصادی کارخانه‌داری زنان به سبب تولید ارزش افزوده اقتصادی، یک فعالیت اقتصادی محسوب شده و به معیشت خانواده کمک می‌کند. همچنین زنان به عنوان فعال اقتصادی شناخته می‌شوند و از رده بیکار در محاسبات ملی و بین‌المللی خارج می‌شوند.

براساس برآوردهای انجام شده کل ارزش افزوده ایجاد شده توسط زنان مورد مطالعه در مدت یک سال معادل 29183724140 ریال بوده است، که $53/4$ درصد از طریق تهیه غذای روزانه خانواده، $15/45$ درصد از طریق تمیزکردن منزل و شستشو و اتوی لباس، و $28/9$ تدریس به فرزندان است. در همین راستا با استفاده از عدد به‌دست آمده می‌توان میانگین ارزش

افزوده کار خانه‌داری هر زن مورد مطالعه را با احتمال وجود خطا در محاسبات برای مدت یک سال به میزان ۷۵۹۹۹۲۸۱ ریال برآورد شود و با تعمیم این عدد به کل خانوارهای کشور، بر اساس اطلاعات مرکز آمار ایران بیش از ۲۱ میلیون خانوار در سال ۱۳۹۰، ارزش افزوده ایجاد شده توسط زنان متأهل کل کشور را تخمین زد و عددی معادل ۱۶۰۰ میلیارد ریال به دست می‌آید که تقریباً معادل ۳۰ تا ۴۰ درصد محصول ناخالص داخلی کل کشور در همان سال که معادل ۴۸۰۰ میلیارد ریال بود؛ این نتیجه گویای نقش بسیار تأثیرگذار زنان در خانواده و اجتماع است. همان‌طور که از نتایج آزمون فرضیات براساس آماره رگرسیون چند متغیری مشاهده می‌شود متغیر بعد خانوار بیشترین تأثیر را در ایجاد ارزش افزوده فعالیت خانه‌داری زنان دارد، به طوری که داشتن فرزندان بیشتر (تعداد افراد خانواده بیشتر) باعث ایجاد ارزش افزوده بیشتری می‌شود و بیان‌کننده این واقعیت است که بعد خانوار نقشی تعیین‌کننده در ایجاد ارزش افزوده فعالیت خانه‌داری زنان دارد. در مقابل تأثیر دو متغیر سن زن و مدت ازدواج با گذشت زمان، به دلیل کهولت سن و وجود فرزندان کمک‌کننده در امر انجام‌دادن کارهای داخل منزل، از میزان ارزش افزوده ایجاد شده توسط زنان مورد مطالعه در کارهای خانه‌داری در داخل منزل کاسته می‌شود.

نقش دوگانه زنان در خانواده و اجتماع بر کسی پوشیده نیست. زنان با بهره‌مندی از خصایص، استعداد و کرامت انسانی، در پی ایجاد آرامش برای هر دو محیط هستند. زنان با داشتن دیدی خلاق و بهره‌مندی از مهارت‌های بالا، به‌عنوان فعال اقتصادی و عامل اصلی تربیت فرزندان نقش مهمی در چرخه اقتصاد، خانواده‌ها و جامعه برعهده دارند. بنابراین، حضور آن‌ها در عرصه اجتماعی نیز مورد انتظار است. ازطرفی این نیاز محسوس است که کارخانه‌داری زنان به‌عنوان یک فعالیت اقتصادی-اجتماعی در برنامه‌ریزی‌های پیشرفت و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور لحاظ شود و ملزومات و استلزامات فرهنگی و اقتصادی-اجتماعی آن در برنامه‌های مختلف مد نظر قرار گیرد، در همین راستا به «نظام تأمین اجتماعی» زنان خانه‌دار برای بهره‌مندی از امنیت رفاهی در دوران پیری متناسب با ارزش افزوده اقتصادی تولیدی آن‌ها، به‌عنوان یکی از راه‌های تأمین اقتصادی و اجتماعی زنان خانه‌دار توجه شود.



منابع

- اسفندیاری، علی‌اصغر و مهربانی، فاطمه (۱۳۸۵). «بررسی اقتصاد زیرزمینی از دو روش» شکاف درآمد هزینه خانوار و "نسبت نقد"، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، دانشکده امور اقتصادی و دارائی. ۱۳۳-۱۶۲.
- ایمان، محمدتقی و اردشیری، مهیار (۱۳۷۸). «جایگاه زنان در اقتصاد غیررسمی»، شیراز. مرکز جمعیت‌شناسی دانشگاه شیراز.
- باقری، شهلا (۱۳۹۰). «ارزش افزوده کارخانه‌داری زنان و عوامل مؤثر بر آن». فصلنامه زن در توسعه و سیاست، دوره ۹، شماره ۳: ۸۹-۱۰۹.
- جزنی، نسرین (۱۳۸۳). ارزش کارخانگی، تهران: سوره مهر و مرکز امور مشارکت زنان نهاد ریاست جمهوری.
- خلعتبری، فیروزه (۱۳۶۹). «اقتصاد زیرزمینی»، مجله رونق، سال اول، شماره ۱: ۵-۱۱ و شماره ۲: ۱۱-۱۸.
- چنگیزی، مهرانگیز (۱۳۷۰). احتساب سهم زنان در تولید کشور، تهران: دفتر تحقیق و توسعه مرکز آمار ایران.
- حافظ نیا، محمد رضا (۱۳۸۷). مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها: سمت.
- سفیری، خدیجه (۱۳۷۷). جامعه‌شناسی اشتغال زنان، تهران: تبیان.
- قربانی، محمد (۱۳۸۷). بررسی نظریه‌ها، روش‌ها و تجربه‌های تنظیم و تعدیل حساب‌های ملی نسبت به ارزش کار زنان خانه‌دار (تولید خانگی)، تهران: وزارت کار و امور اجتماعی، مؤسسه کار و تأمین اجتماعی.
- توماس، جی جی و همکاران (۱۳۷۶). اقتصاد غیررسمی، ترجمه و تلخیص منوچهر نوربخش و کامران سپهری، تهران، مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی.
- مرکز آمار ایران (۱۳۶۶-۱۳۹۰). سالنامه آماری کشور، تهران: مرکز آمار ایران.
- معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری (۱۳۸۹). برنامه پنجم توسعه اقتصادی اجتماعی کشور، تهران: معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری.

ملکی، گیلدا (۱۳۷۷). «کار زنان، نادیدنی و ناشمارش». مجله پیام زن، شماره ۱۲: ۲۳.

ماهنامه پیام زن، شماره ۲۳۴.

Aslaksen I, Koren C.(1996).Unpaid household work and the distribution of extended income: the Norwegian experience. *Fem Econ* 2(3):65-80.

Becker, G(1981). A theory of the allocation of time, *economic journal*, 75(299):493-517.

Benaria , Lourdes (1992). Accounting for Woman's Work:The Process of Two Decades,*World Development*. 20(11)

Charles, Nickie & Kerr ,Marion (1999). *Women's Work in Graham Allan*(ed.) The Sociology of Family, Oxford: Blank well Publishers.

Chodorow , Nancy (1997). *The Psychodynamics of the Family in Linda Nicholson*(ed.)The Second Wave, New York and London: Rutledge.

Enste. D. & Schrieider, F. (1998). *Increasing Shadow economics all over the world fiction or reality?* A survey of global evidence of their size and of their impact from 1970-1995.

Goldschmidt, ClermontL(1982). Unpaid Work in the Household:A Review of Economic Evocation Methods Women, Work and Development Series, No.1 International Geneva.

Ironmonger.D.S.(1996).Counting outputs, capital inputs and caring labor: Estimating gross household product. *Feminist Economics*,

Meager, Kate (1995).Crisis, In formalization and the Urban Informal Sector in Sub-Saharan Africa, *Development And Change*, 26(8).

Morris , Lydia(1999).The Household and the Labor Market in Graham Allan(ed.) The Sociology of the Family, Oxford: Blackwell Publishers.

Nath , K.(1997).Female Work Participation and Economic Development, *Economic And Political Weekly*, V(21).

Oakley, ANN (1976). *Women's Work: The Housewife, Past and Present*, New York: Vintage Books.

Reid, Margaret G. (1934). *Economics of households Production*. New York: Wiley and Sons.

Robinson ,Rojas (1999). *Modernization Theory and the Laws Social Change*, *World Development*, 35(4).

Shepard ,Jan M (1999). *Sociology*, New York and Boston: Wadsworth.

Silver,Hilary & Frances Goldsneider (1994).Flexible Work Domestic and Housework, Work and Family Constraints on Works Domestic Labor , *social force*, 15(7).



نویسندگان

aa.Esfandyari@yahoo.com

علی اصغر اسفندیاری

استادیار بازنشسته گروه اقتصاد (دانشگاه شهید چمران اهواز)، و استادیار تمام وقت گروه اقتصاد (دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات خوزستان). مطالعات و پژوهش‌های او بیشتر در خصوص اقتصاد زیرزمینی، پنهان، غیررسمی و جداول داده و ستانده است. ایشان مؤلف چهار کتاب اقتصادی از جمله کتاب «اقتصاد زیرزمینی در ایران» است، همچنین بیش از ۲۰ مقاله علمی-پژوهشی فارسی و ۲ مقاله ISI انگلیسی در زمینه‌های مختلف اقتصادی به چاپ رسانده است.

Mehdipedram@elzahra.ac.ir

مهدی پدرام

دانشیار دانشگاه الزهرا(س)، تخصص ایشان در اقتصاد کلان و مالیه بین‌الملل است.

s.mojadam@gmail.com

صادق مجدم

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم اقتصادی گرایش توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات خوزستان، ۱۳۹۰. کارشناس بیمه و تأمین اجتماعی استان خوزستان، مدرس دانشگاه پیام‌نور مرکز آبادان، مرکز آموزش عالی جهاددانشگاهی اهواز، مدرس مرکز مدیریت دولتی (معاونت پژوهشی استانداری خوزستان).

پرتال جامع علوم انسانی



پښتونستان ښار
پښتونستان ښار
پښتونستان ښار